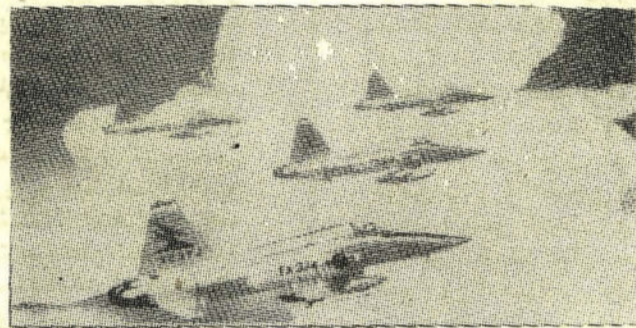


بودجه و برنامه اقتصادی زمان جنگ

نباید دست روی دست گذاشت و به انتظار پایان نبرد نشست
همه شرایط لازم برای طرح ریزی و اجرای برنامه های اقتصادی فراهم است
در صفحه چهارم

برادر ارتشی به تومی باله

ایران به برکت این فرزندان پاینده است
عقابهای غرور آفرین پایگاه نوژه



دورباد از حشمت پروازتان، افسون صیادان

دوستم تازه از راه رسیده بود
گرد و غبار آلوده ولی چه سبکبار
و نرم، چست و جلاک می نمود.
در چایخانه های سفارش دو استکان
چای دادیم سیگاری تعارفش
کردم و سخنان گل انداخت.
او از عقابهای غرور آفرین
سخن میگفت: از ایشان، از
ایمانشان، از رشادتشان، از
شهادت پذیریشان، از نیروی
عجازگر وحدت ملی و دفاع از
بقیه در صفحه سوم

نورسیدگان وظیفه سنگین خود را نمی شناسند

ذهن با اشتیاق
نوجوانان را در
شبکه
ندانم کاریها،
زندانی نکنید.

در صفحه هفتم

حماسه خر مشهر

چگونه میتوان چنین دلاورانی
را نستود
به پاس هر وجب خاک ایران،
جانها فدا شده است

نزدیکترین همانند خود در جهان
یعنی «مادر» تشبیه کرده اند، چه
این هر دو زندگی بخش و مایه
اساسی نشو و نما هستند و جز با
حضور و وجود آنها نیست که
زندگی شکل می گیرد و استحکام
می پذیرد. دینهای خدائی و
بقیه در صفحه ششم

چگونه می توان سرزمینی این
سان مرد پرور چون خر مشهر و
مردمی اینهمه قهرمان و بی باک و
دلاور چون خر مشهریان را
نستود؟
دوست داشتن میهن جزو
سرشت هر انسان است و به همین
اعتبار است که میهن را به

در بازگشائی مرکزهای آموزش عالی درنگ نکنید

نیاز کشور به قدرت تخصص دیگر
جای تردید ندارد
بازسازی ایران به کاردانی و کارائی
نیاز دارد

بر جوانان ایران نصیب می آید.
چرا می باید چنین باشد؟ چرا
می باید نظام آموزش عالی کشور
اینگونه به تباهی کشیده شود.
دانش و وقت استادان، چون
معدن نیست که اگر امروز از آن
بهره گیری نشود، زمان دیگر
بتوان از آن بهره گرفت. هر روز و
هر ساعت و هر لحظه ای که از
وقت استادان بگذرد و از آن
ثمری گرفته نشود، آن زمان از
کف رفته است و دیگر قابل
بازگشت نمی باشد.
هر زمانی که بدین سان از کف
برود، سرمایه ای از کشور تلف
بقیه در صفحه پنجم

سال تحصیلی می گذرد و
کلاسها خالی مانده است. کتابها
در کتابخانه ها گرد می خورند.
آزمایشگاهها در پوششی از غبار
فرو رفته اند. دانشجویان حیران و
سرگردان، عمر تلف می کنند.
استادان، به آشفتگی و اندوه،
دانش گرانهای خود را بر هدر
می بینند.
نظام آموزش عالی ایران از کار
بازمانده و سرمایه گذارهای
سنگینی که در این راه بعمل
آمده، بی ثمر افتاده است.
از اینهمه سرمایه گذاری تنها
اندوه و حسرت بر مردم و

سر درگمی در سیاست خارجی کشور

احتیاج به ارتباط با خارج دارد،
بویژه کشوری که از پس سالها
زیر سلطه استبداد وابسته به
استعمار، انقلاب کرده و
برنامه های آن ناشناخته است.
چنین کشوری دوستانی دارد
که باید رشته های دوستی را با
آنان استوارتر کند، دشمنانی
دارد که باید با آنان تکلیف خود
را روشن سازد.
کشورهای بی طرف هم وجود
دارند که باید سعی کرد آنها را با
حفظ «احترام متقابل» به سوی
خود جلب کرد و نگذاشت به صف
دشمنان به پیوندند.

در قلمرو سیاست خارجی
آنچه تاکنون جمهوری اسلامی
ایران انجام داده، با دشمنان
آگاهانه و به پیروی از برنامه ای
روشن نبوده و بنا دوستان با
آندسته از کشورهایی که ابراز
دوستی می کرده اند نیز نشانی از
بقیه در صفحه ششم

پر جنب وجوش ترین جلوه های زندگی ملی، دچار نارسائی است

از آغاز بنیان گذاری جمهوری
اسلامی ایران، سیاست خارجی
کشور که باید یکی از پویاترین
و پر جنب و جوش ترین جلوه های
زندگی ملی باشد دچار کمبودها
و نارسائی ها و سردرگمی های
بسیاری بوده است.
وزارت امور خارجه، همانند
دیگر نهادهای جمهوری هیچگاه
دارای سیاست روشنی نبوده و
دخالت مرکزهای قدرت بیرون از
دولت نیز بردشواری کار آن
افزوده است.
در جهان ملتها، هر کشوری

هر نغمه شوم سازش را در هر حلقوم فرو کوبید

مهری راستین و پایدار را
جانشین اختلافها کنید
همه باید به نظم آفرینی و کار
خستگی ناپذیر برخیزند

جنگ گسترده تر می شود. دشمن با همه نیروی
اهریمنی خود به کین جوئی برخاسته است.
پیکارگران ایرانی نیز با همه هستی به دفاع از میهن و از
آرمانهای والای خود ایستاده و از هیچ سو فرصت سازش
به جا نگذاشته اند.
هنگامه بود و نبود است، نه جای گفتگو و مدارا. خشم
دشمن هر دم فزونی میگیرد و ایستادگی ایرانیان نیز، در
این گیرودار بزرگ باید همه سببهای پیروزی را فراهم
داشت. راه دیگری در پیش نیست.
پیروزی در پیکاری چنین پدیده، به تدارکها و
اسبابها نیاز دارد و نخست باید هر نغمه شوم سازش را
در هر حلقوم فرو کوفت و مصلحت جوینان تر دامن را باید
زبان به کام اندر کرد ولی رزمندگان تسلیم ناپذیر را باید
هر چه بیشتر گرامی داشت.
تفاوت برداشتها و گونه گونی اندیشه ها، در میان
رزمندگان، باید به کنار نهاده شود. هیچکس را به خاطر
اختلاف در سلیقه نباید از همیاری در «نبرد میهنی» به
دور داشت.

هر کس را به هر گونه به دفاع از جمهوری اسلامی ایران
ایستاده است، باید همزیمی ارجمند شناخت و بر آن مهر
ورزید، مهری راستین، پایدار، اگر مهر ما بر همزیمان،
گذرا و سپنجی باشد و با پایان یافتن نبرد، از میان برود،
بیم آن است که مهر ما به نیرنگ آغشته شود و این با
جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران سازگار نیست.
نباید پنداشت که با پیروزی در یکی دو جبهه، و یا با
پیروزی در همه جبهه های کنونی، نبرد پایان می یابد.
دشمن نه آن است که اینک در جبهه های جنگ
رویاروی ما قرار گرفته، این تیره بختی که چونان نیاکان
غارنگرش، سلاح به دست به ایران زمین تاخته، مزدوری
است بر گشته حال، دشمن اصلی در کمین می باشد، و با
هر شکست، هجومی وحشیانه تر آغاز خواهد کرد.
ماجرای درگیری ایران انقلابی با دشمن، ماجرائی است
بسیار دامنه دار و دراز مدت و برای چیرگی بر
جهانخواران، هیچ راهی جز پایداری ملت در پیش
بقیه در صفحه دوم

رهسپاری به میدان جنگ



گروهی در حال حرکت در عظیمیه کرج که همرمزم داریوش
فرور، شیخ محمد خالد بارزانی ادریس بارزانی، همرمزم بسائی،
همرمزم کریمخانی و آقای لطفی در میان آنها دیده میشوند.

با هجوم حکومت نژاد گرای
بعث عراق به ایران، گردان
فراسوی مرز که سالیان دراز است
در زیر ستم دولت بغداد به سر
می برند به پشتیبانی از جمهوری
اسلامی ایران به جنب و جوش
برخواستند و همه سازمانهای
سیاسی آنها به شکلهای گوناگون
بر کوششهای خود افزودند از
جمله حزب دموکرات کردستان
عراق به رهبری مسعود بارزانی با
صادر کردن اعلامیه های هجوم
ارتش مزدور عراق را تقبیح کرد و
به آماده سازی نیروهای خویش
برای شرکت در جنگ پرداخت.
بامداد روز یکشنبه بیستم
بقیه در صفحه پنجم

درود بر روان تابناک همه شهیدان نبرد میهنی

ارگان حزب ملت ایران

هر نغمه شوم سازش را در هر حلقوم فرو کوبید

نمی باشد، باید ملت و همه

ملت را، در پیکار شرکت داد.

باید از حصر افتخار به نام هر کس، و هر فرقه دوری جست، افتخار نبرد و افتخار پیروزی از آن ملت است و همه گروههای اجتماعی باید در این «نبرد میهنی» سهمی در خور بیابند. باید همه مردم به روشنی احساس کنند که ایران، دست آوردهای انقلاب و آینده فرزندانمان در خطر است و وظیفه دارند که با همه قدرت به دفاع همه جانبه برخیزند.

باید در کنار پروردن روحیه عالی ایستادگی و کوشش و رزمندگی، تدارکهای لازم را از جنگ افزار و دارو و خوراک جنگاوران فراهم داشت.

باید در سراسر جهان ملتها به گرد آوردن دوستان و یاوران پرداخت و باید از هر امکان برای سرکوب دشمن تبهکار، بهره بر گرفت.

باید از آزدن کسان و گروهها بهر شکل دوری جست و به همگان در این صحنه نام ننگ میدان داد.

باید گلایهها را از یاد برد و حتی لغزشهای کوچکی را که در گذشته رخ داده است به چشم نیاورد و فرصت داد تا همه مردم یکپارچه به نبرد برخیزند.

باید با شتاب به بهره گیری از تخصصها پرداخت و هر دارنده تخصصی را به پیکار در جای شایسته گماشت.

باید آنان را که با عشق به خدمت و از روی حسن نیت ولی بدور از تخصص خود اظهار نظر و دخالت می کنند، با هشدارهای صمیمانه از خسران آفرینی برکنار داشت.

باید بر بسیج همگانی، اهمیتی به سزا داد و اجرای آن را از آنان خواست که در چنین کاری آرمودگی و ورزیدگی دارند.

باید روند تصمیم گیری های جنگی را یکسره در اختیار فرماندهان آگاه و توانا قرار داد.

باید بر قدرت فرماندهی در ارتش افزود و از افسران کاردان گاردیده و آرماتخواه در این راه یاری خواست.

باید نظم سازمانی لازم را از بالاترین سمتهای ارتشی تا پائین ترین رده های آن و نیز در سپاه پاسداران انقلاب و دیگر گروههای جنگنده برقرار ساخت.

پیروزی ایران در این جنگ سرنوشت، در این جنگ حق و باطل، در گرو نظم و کار است.

شما همه ایرانیان، شما همه باورآوران به اسلام راستین به نظم آفرینی و کار خستگی ناپذیر برخیزید.

بخشی از اطلاعیه اتحادیه میهنی کردستان عراق

پیشمرگان اتحادیه میهنی در طول ماه سپتامبر بیست و چهار بار بانبروهای رژیم فاشیستی حاکم عراق و مزدوران سیا و موساد درگیر شدند. در این درگیریها هفده نفر از مزدوران عراق و نیز سرنشینان دوجیبی که تعدادشان معلوم نیست کشته و دوتن دیگر از مزدوران که دستگیر شده بودند محاکمه و به اعدام محکوم شدند. حکم صادره در شهر حلبچه به اجرا درآمد. درگیریها در شهرها و مناطق عبا بلی کس کوک، حلبچه، تینال، پنجورین، تانجرو، سلیمانیه، بارگای سربه تافان، قره داغ، دره شهیدان و چند نقطه دیگر روی داد.

همچنین در حملات مبارزان اتحادیه میهنی به سنگرهای دشمن چهار اتومبیل ارتش عراق منهدم شد و از مزدوران دولت فاشیستی حاکم نه قبضه اسلحه و مقداری مهمات بدست آمد. تلفات نیروهای دشمن در چند حمله هنوز مشخص نشده است. در این درگیریها دو پیشمرگه اتحادیه میهنی شهید و شش نفر زخمی شدند.

مبارزه اتحادیه میهنی کردستان عراق زیر پرچم «التجمع الوطني العراقي» تا سرنگونی رژیم فاشیستی حاکم بر این کشور و پیروزی خلق ستمدیده عراق ادامه دارد و پیروزی از آن توده مردم است.

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیر سلیمان عظیمی

زیر نظر شورای نویسندگان

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره: ۳
خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷
صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

بیانیه کانون وکلای دادگستری

کانون وکلای دادگستری بیانیه ای در مورد تجاوز ارتش مزدور بعث عراق منتشر ساخت متن کامل بیانیه بشرح زیر است:

«همزمان با تجاوز ارتش عراق به قلمرو کشور ایران رادیوی بغداد نیز تبلیغات خصمانه خود را علیه حقانیت و حاکمیت ایران آغاز کرده و نظریه رئیس کانون وکلای بغداد را درباره قرارداد ۱۹۷۵ مبنی بر حقانیت عراق به آتش افروزی حکومت بعثی عراق را موجه جلوه دهد.

اما بر تمام صاحب نظران آشکار است که قرارداد ۱۹۷۵ بر اثر اصرار و پافشاری همین صدام حسین که در آن زمان معاون رئیس جمهوری عراق بود پی ریزی گردید و به وساطت وزیر امور خارجه الجزایر منعقد شد تا دولت عراق بتواند گریبان خود را از چنگال بازرانی ها رهائی بخشد، رمز و راز قرارداد ۱۹۷۵ و اینکه چرا حکومت بعثی عراق تشنه و مشتاق انعقاد آن بود بر کسانی که از بینش سیاسی برخوردارند روشن است و چون رژیم جبار ایران نیز وضعی مشابه با حکومت عراق داشت لذا دو هیات حاکمه که هر دو با زور سرنیزه بر دو ملت مسلمان تحمیل شده بودند با انعقاد پیمان مزبور فرصت یافتند که در قبال نهضت های آزادیخواهی سازمانهای امنیتی خود را تقویت نمایند و زندانها را از مخالفان پر کنند و کشورهای خود را پایگاه جاسوسی استعمارگران قرار دهند.

اینک که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران این کشور زنجیر بردگی را از هم گسیخته و رژیم سرسپرده بیگانه را ساقط کرده و پیشرفت جنبش در ایران امید به برقراری مجدد نظام سابق را بکلی قطع گردانیده است مشاهده میشود که دست استعمارگران از آستین صدام حسین بیرون آمده و بطرف استقلال و تمامیت ایران دراز شده است که متأسفانه عده ای بنام حقوقدانان عراق نیز این اعمال جنایت آمیز را تأیید و تجویز مینمایند. لیکن بسیاری خداوند و به نیروی ایمان و اتحاد ملت غیور و مسلمان ایران این دست آلوده قطع خواهد شد و آرزوی دشمنان کشور با خود آنان بگور خواهد رفت.

هموطنان زمان شعار دادن سپری شده هنگام جانبازی و حفظ شرف ملی فرا رسیده است در مقابل دشمن و عوامل بیگانه هر گونه اختلاف سلیقه را کنار بگذاریم و یکدل و یک زبان تجاوزگران را بجای خود بنشانیم.»

اطلاعیه های سندیکای شرکتهای ساختمانی

سندیکای شرکتهای ساختمانی در هفته ای که گذشت دو اطلاعیه خطاب به شرکتهای عضو خود صادر کرد. اطلاعیه شماره یک آمده است:

«همکاران عزیز، اکنون که وطن عزیز ما ایران مورد تهاجم قرار گرفته است و علاوه بر خسارات جنسی، صدماتی به تأسیسات عمومی وارد گردیده است... کلیه شرکتهای ساختمانی عضو این سندیکا موظفند بعنوان یک وظیفه مقدس ملی در اسرع وقت با کمیته های امنیت ملی در سراسر کشور تماس حاصل نموده، با برنامه ریزی و هماهنگی کامل و با کلیه امکانات پرسنلی و ماشین آلات خود در رفع آسیبهای اضطراری مشارکت نمایند.»

در اطلاعیه شماره دو نیز از شرکتهای ساختمانی خواسته شده است که پرسنل کلیه شرکتهای ساختمانی و راهسازی، بخصوص در مناطق جنگ زده، موظف هستند در محل کار خویش باقی بمانند.

تظاهرات مردم بحرین بر علیه رژیم بعث عراق

این اطلاعیه از سوی جبهه آزادیبخش بحرین منتشر شد: «در اثر نقل و انتقال نیروی هوایی عراق در فرودگاه بحرین از روز پنجشنبه (دهم مهرماه) بطور متوالی تظاهرات گسترده ای در برنامه بعنوان اعتراض به حمله حزب بعث کافر عراق به جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت.

عده کثیری از مسلمانان بحرین به سفارت جمهوری اسلامی ایران رفته و آمادگی خود را برای جانبازی در راه اسلام بایرادران ایرانی در نبرد علیه رژیم مزدور بعث عراق اعلام داشته اند. دولت مزدور آل خلیفه دهها تن از مسلمانان را دستگیر کرده واکثراً زیر شکنجه های قرون وسطایی بسر میبرند.

از آغاز جنگ رژیم مزدور عراق بایران، بحرین از کلیه وسایل ارتباط جمعی، که تحت کنترل دولت مزدور آل خلیفه است، فقط اخباری را که از (طریق) دولت بعث عراق پخش میشود، منعکس میکند.»

دکتر سنجابی به سرپرستی کمیته بسیج عشایر غرب کشور برگزیده شد

بر اساس گزارش خبرگزاری پارس، دکتر کریم سنجابی، سرپرست کمیته بسیج عشایر غرب کشور، در یک گفتگو با این خبرگزاری گفت: «سران عشایر در جلسه ای ده نفر را بعنوان اعضای کمیته بسیج برگزیدند و اینک کمیته رسماً کار خود را شروع کرده است.»

دکتر سنجابی، که با کوشش وی تاکنون تعداد زیادی از عشایر غرب کشور بسیج و به جبهه های جنگ حرکت کرده اند، در مورد تجاوز عراق به خاک ایران گفت: «رژیم متجاوز عراق به عوامل نظام دیکتاتوری سابق و نوکران امپریالیسم اجازه داد که در مرزهای کشور ما مستقر شوند و علیه ملت مسلمان ایران دست به اقدامات خرابکارانه و تجاوز کارانه بزنند.»

وی در این رابطه افزود: «جنبی باید از سرزمین ایران بیرون برود و ملت عراق بفهمد که منافع حقیقی او در این است که با ملت ایران، که دارای منافع مشترک تاریخی، قومی، دینی و اقتصادی (باملت عراق هستند)، دوست و متحد و متفق باشد.» وی در پایان گفت:

«امروز مسئله ایران، مسئله جنگ و دفاع است و باید همه چیز و همه نهادهای ما در پیروزی این جنگ دینی و میهنی خلاصه شود و همه متحد و متفق شوند.»

این سیستم است که باید عوض شود، نه کارکنان

هفته پیش کارکنان وزارت ارشاد ملی، که جملگی مورد غضب وزیر جدید قرار گرفته و به اتهام طاغوتی و مهمتر از آن ملی بودن!! گرفتار آمده اند، ضمن صدور اطلاعیه ای دیدگاهها و خواسته های خود را بیان کردند. در این اطلاعیه پس از برشمردن اینکه چگونه وزیر ارشاد دست به این اقدام بقول خودشان انقلابی زده اند، به بررسی پی آمدهای این اقدام پرداخته و انجام آن را در این شرایط حساس، یک عمل ضد مردمی دانسته اند. سپس خطاب به وزیر چنین نوشته اند:

«آقای دوز دوزانی، وزیر ارشاد ملی- مگر شما امروز با سی چهل نفر به وزارت ارشاد نیامده اید؟ ما کارکنان چه نقشی در صدارتتان داریم؟ شماها می آید، مینویسید، دستور میدهید، انجام میدهید، هر چه میخواهید میکنید، بعد کارکنان را مقصر میدانید؟»

امروز شما، فردا کس دیگر و فرداهای دیگر کسان دیگر. پس شما کسان مقصرید نه کارکنان. ما اعتقاد داریم نظام اداری باید تغییر کند نه کارکنان و نیروی انسانی. بیائید سیستم را تغییر بدهید، سیستمی بوجود آورید که در اثر اعمال نفوذ فرد آسیب پذیر نباشد تا میناچی ها، دوز دوزانی ها، صادق ها، و ممکن ها، وزیران و معاونان و سایرین نتوانند اعمال نفوذ داشته باشند...»

کارکنان این وزارتخانه در اطلاعیه شماره دو خود، خواسته هایشان را چنین بر شمرده اند:

«بازگشت کلیه همکاران به سرکارهایشان بر اساس اصل ۲۲ قانون اساسی اجرای صحیح قانون اساسی و مصوبات قانونی در وزارتخانه- اعاده حیثیت از کارکنان صدیق وزارت ارشاد و پاکسازی واقعی در چهار چوب قانون اساسی- برکناری افراد فاسد و بدنام از پست های حساس- توجه به اصل سی و هفتم قانون اساسی در مورد اصل برائت مگر در مورد احراز جرم- دگرگونی و بازسازی بنیادی در وزارت ارشاد ادامه همکاری کارکنان صدیق و مؤمن به انقلاب و با تجربه در وزارت ارشاد و بازگشت به سرکار بمنظور جلوگیری از اتلاف بیت المال در رابطه با دریافت حقوق بدون انجام کار.»

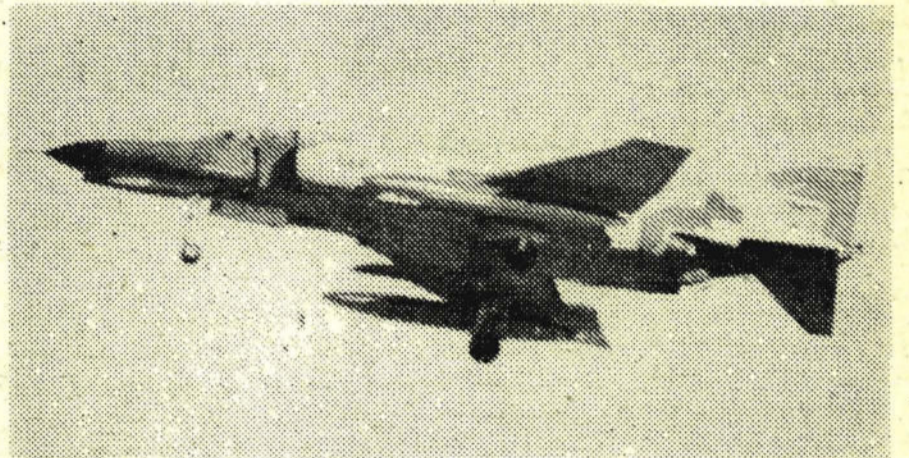
کلاس نقاشی

مرتضی کاتوزیان

خیابان صبا چهارراه بزرگمهر ساختمان صبا طبقه سوم تلفن ۶۶۶۸۷۱

ملت ایران، جنگ را در همه زمانها و همه مکانها پذیرا است

برادر ارتشی ...



دست‌آورد های انقلاب اسلامی ملت ایران در یک نبرد سرنوشت‌ساز میهنی. چگونه جهانبگردد سرد و گرم چشیدم ای شگفتی‌ها، زیبایی‌ها و قهرمانی‌ها را قصه می‌کرد. زائر از زیارت بازگشته‌ای را می‌ماند که از لذت زیارت و برکت‌های وصل، گفتنی‌ها داشت. دوستم از پایگاه نوزه بازگشته بود و چنین سخن میراند و چه زیبا میگفت.

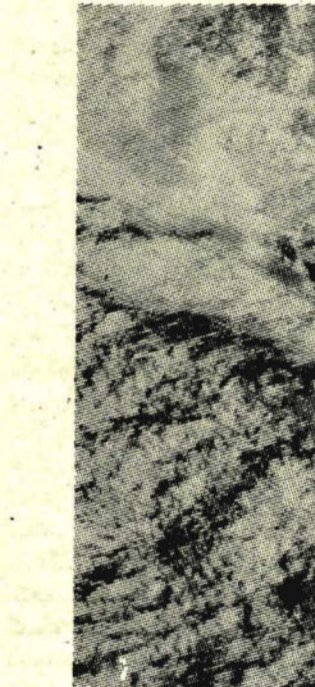
دست دیگر نرده پایگاه را گرفته بدان پیشانی میسائید گوئی که ضریح مرادی بزرگ را نیایش میکرد و مدد میطلبید، به آهستگی نجوا میکرد، گوش فرا دادم دعا میکرد..... او را پدر خواندم..... و گفتم پسر است اینجاست؟ پیرمرد بریده پاسخم داد..... بله..... بله پسرانم اینجایند، هم‌شان پسران من هستند هم‌شان..... گریه مجالمان نداد.

میگذرند و به اشارای کوتاه بسنده میکنند همچنان در این هنگامه، در این پهنه نبرد، انحصار طلبان وابسته را می‌بینیم که سخن از تصفیه و تجدید ارتش میکنند.

بودند. هر گوشه چند نفری بگردهم نقشه‌ها را پیش روی داشتند و مسیزها و برنامه‌ها را بررسی و مرور میکردند. پیش کسوتان، جوانترها را رهنمود میدادند و تجربه‌های خود را بدانها منتقل میکردند. فرمانده مرا با گروهی از این تهمتنان آشنا کرد، بجمع آنها پیوستم، جای نوشیدم، فرمانده با آنها به مهربانی یک استاد سخن میگفت و نکاتی را یاد آورشان میکرد. بعداً از نبرد میهنی از این جنگ بین حق و باطل و عشق به ایران سخن رانیدیم، بدانها گفتم شما عزیزان قلب ملت را روشن کردید، بدانها گفتم ملت شما را از خود میداند و در این پیکار، ملت در کنار شماست، ای جان بفدای شما سربازان رشید. بلورهای اشک بود که در چشم آنها درخشیدن گرفت اثر اکسیر عشق نمایان شد، همه پرتوان، همه پر امید، همه پر شور، همه پر غرور، همه عاشق، همه برادر، همه ایمان، همه برای ایران در پذیرش

فانتوم یک‌موتوره تعادل از دست داده به ساختمان در دست اجرائی برخورد کرد و از اندامان ایندو ابرمرد، ایندو شهید جز بخشی از یک آرواره و چندتائی دندان و یک دو استخوان چیزی باقی نماند ولی نامشان در تاریخ پیکار جاودانه حق و باطل با قلم زرین در کنار شهیدان رقم زده شد. این سر جاودانگی ملت ماست و راز پایداری ایران میگفت.....

لحظه آخر درهم کوبی فرا رسید، بناگهان این جوانمرد خودروی را پیر از سرنشینان غیر نظامی در میانه پل دید. این جوانمرد دریا دل نه فرمان گشتار غیر نظامی داشت و نه دلش بدینکار رضایت میداد، گشتی زد، لحظاتی درنگ کرد، این گشت و درنگ در آن جا که زمان مافوق صوت جریان دارد، زمانی بس دراز و خطرناک است، اما این یل دلیر نابودی غیر نظامیان را از جوانمردی بدور یافت، خودرو را امان داد تا از پل بگذشت و سرنشینان از معرکه جان سالم بدر بردند، پس پل را درهم کوبید و ضربه کاری را بدشمن وارد کرد. اینچنین جوانمردی را جز از ایرانیان که از ارزش‌های والای اسلامی نشات گرفته‌اند از که توقع داری؟ و در کجا سراغ میکنی؟



میرانند. دژبانی همراه کردند تا بدیدار فرمانده دلیر و دوست داشتنی پایگاه بروم، در ستاد فرماندهی مرا پذیرفت، به مهربانی دوبرادر هم میهن، دوهم سنگر با هم روبرو شدیم، از آنچه که بخاطرش به پایگاه زفته بودم سخن گفتم و قرار کارمان را گذاشتیم، باهم از ساختمان ستاد فرماندهی خارج شدیم و برنامه کار را پیش‌بینی کردیم، در تمام مدت خبرها را به او میرساندند و باز گشت پیروزمندانه عقابان تیز چنگش را مژده می‌آوردند خیرها را، مژده‌ها را چنان میگرفت که گوئی آنها را پیش‌بینی قطعی کرده‌بوده‌است. مطمئن سخن میگفت، مطمئن فرمان میداد، مطمئن بود که پیروز است، با اینهمه چشم و گوش به جاهای دیگر داشت، افق را مینگریست کیبوتر باز عاشقی میماند که چشمان امیدوارش در جستجوی کیبوترهای بلند پروازش بودند. به او اطمینان دادم که همه امکانات و کادر فنی را در اختیار او قرار داده‌ام و برنامه‌های را که در پیش داریم با پیروزی قرین خواهند بود، بهمت کارگران و مهندسان چنین نیز شد، همواره چنین بادا و این قصه بماناد بسوقش..... که دیوار را موشهاست و موشها را گوشها..... هیس.

چندماه پیش یکی از عقابهای افتخار آفرین به بالای انحصار طلبان و دست‌اندر کاران ندانم‌کار تصفیه‌چی گرفتار شد. ماه پیش فرمانده دلیر و آگاه

مأموریت میکوشیدند تا از دیگر همکاران پیشی گیرند... ایران به برکت این فرزندان پابنده است و انقلاب اسلامی به یمن وجود این سربازان پیروز. میگفت.....

یک فانتوم به سرنشینی سنوان عشقی‌پور و ستوان یکم اسلامی نیابخاک عراق پر گشود ماموریت پیروزمندانه بود. این عقابان تیز چنگ راه آسمان دیار جانان، ایران عزیز را در پیش گرفتند. بسبب کمبود سوخت بنا گزیز یک موتور را خاموش کردند، به پایگاه نزدیک و نزدیکتر شدند، برفراز پایگاه آمدند و به باند نزدیک شدند، لحظه‌ای دیگر چرخ‌های فانتوم بر خاک میهن بوسه میزد. برج فرماندهی از حمله دو میگ عراق به پایگاه آگاهشان ساخت، این دلیران، این از جان گذشتگان به یکبار اوج گرفتند و دو میگ مهاجم را دنبال کردند و خود را چنان بشدت بیکی از آنها زدند که میگ تعادل خود را از دست داد و چند کیلومتر آنسوی‌تر در پای بلندیهایی سوباشی فرو افتاد و پایان سخن شنو که ایندو عزیز، عشقی‌پور و اسلامی‌نیا، به ابدیت پیوستند، بجوادانگی رسیدند. سدره‌شین بام عشق و شهادت شدند، همه فرزندان ایران را چنین انجالی باد و چنین وصلی نصیب

دشمن را فریب داد و چنان وانمود کرد که تسلیم شده است دشمن خندید، باطل پنداشت که برحق پیروز گشته، دشمن او را به پایگاه بغداد کشاند او نیز رفت از اوج خود کاست به باند نزدیک شد، میگها هم چنان در پی او بودند، عقاب ما بروی باند رسید ولی هوای میگهای دشمن را داشت آنها نیز بروی باند رسیدند، خلبان دلیر ما بیک‌باره نعره زد «یا علی» از علی مدد گرفت در میان باند پایگاه بغداد، سینه گشود، اوج گرفت آتش‌بار ضد هوایی بغدادیان به بال او گرفت، آتش گرفت با خود گفت خدایا شکر که اگر به آتش تیز دشمن بسوزم به روز مکافات، روضه رضوان مرا نصیب خواهد شد..... همچنان اوج گرفت..... راهی ایران شد و درست در پایگاه فرود آمد و دو روز بعد بار دیگر با همان فانتوم راهی بغداد شد تا پیکار با دشمن را پی گیرد. میگفت.....

از جوانمردان چیزی میدانی؟ خواننده‌ای؟ شنیده‌ای؟ اینک حماسه یک جوانمردی را شنو، انسانی‌گری، ایرانی را بنگر. به این جوانمرد فرمان درهم کوبیدن پلی را در عراق دادند، پلی که یکی از پادگانهای نظامی را به شاهراه مربوط میساخت. جوانمرد ما به بالای پل شد،

میگفت..... خورشید عالمتاب در افق همدان بخون نشستن را آغاز کرده بود، آنگاه که به پایگاه رسیدم. انبوه زنان و مردان و کودکان که از همدان‌هاز کیبوتر آهنگ از شهرهای دیگر و روستاهای دور و نزدیک به نیت یاری رساندن مشتاقانه به گرد پایگاه آمده بودند، پیش رفتن مرا مشکل میکرد. این زائران این شیفتگان همه نگران «میهن» این عزیزتر از جان، این معبود بزرگ، بودند. آنها بگرد آشیانه عقابان تیز چنگ پایگاه نوزه آمده بودند..... سرنوشت پیروزمندانه این جنگ تحمیلی را دلیری و فداکاری و ایمان ارتش جمهوری اسلامی ایران رقم خواهد زد.

پیروزی و شرف و عزت ما در این «نبرد میهنی» در گرو همت آنان است و چه بلند همتان خاکساریند این دست از جان‌شستگان. شیفتگانی که بگرد پایگاه بودند هر یک نفر درخور توانائی چیزی برای نیاز به این مکان پر ارج با خود داشتند.

میگفت..... مردی کشاورز دیدم گوزبشت که زمان چهارم‌اش را بشخیم کشیده بود عصائی در دستی و با

میگفت..... مردی کشاورز دیدم گوزبشت که زمان چهارم‌اش را بشخیم کشیده بود عصائی در دستی و با



بودجه و برنامه اقتصادی زمان جنگ

نباید دست روی دست گذاشت و به انتظار پایان نبرد نشست

همه شرایط لازم برای طرح ریزی و اجرای برنامه های اقتصادی فراهم است

جنگ بی گفتگو، بسیاری از چشمه های درآمد دولت را خشکانیده و بسیاری هزینه های اضافی پدید آورده است، و بودجه کشور که از آغاز هم کسری قابل توجهی میداشت، اینک در وضع ناگواری قرار دارد.

کاربدستان و تهیه کنندگان بودجه با آگاهی بر کسری هنگفت آن، و با آگاهی بر درگیریهایی گوناگون کشور، وعده داده بودند که علاوه بر بودجه عادی، بودجه دیگری بنام بودجه اضطراری تهیه و عرضه نمایند.

زمانی که برای تهیه این بودجه معین کرده بودند، سپری شده است، و از تهیه آن خبری به رسانه های همگانی ندادند.

ولی در شرایط کنونی، تهیه و عرضه یک بودجه جنگی یا اضطراری، و در کنار آن یک برنامه اقتصادی بسیار ضرور مینماید.

جنگ هر اندازه ادامه یابد، و هر میزان آسیب بیشتر بر اقتصاد کشور وارد آورد باید بر دقت نظر تلاش افزوده شود، باید خود را چنان سازمان داد که از همه امکانات موجود بهره برداری کرد و نباید به امید آن نشست که جنگ تمام شود و دوباره سیل نفت به بازارهای جهان سرازیر گردد و از محل درآمد آن آرام آرام اقتصاد سامان یابد.

باید برای هر پیچیدگی که در کار جنگ پدید می آید آماده بود، باید اگر جنگ یک روز دیگر یا یک سال دیگر یا ده سال دیگر به درازا بکشد، نتواند اقتصاد کشور را از پا درآورد، و باید در فردای جنگ برای بازسازی میهن به تحمل ناز و عشوه بیگانه نیاز نیفتد.

اگر غافل از پیامدهای اقتصادی جنگ بمانند بی هیچ گفتگو کشور در بستر زمان به دشواریهای هراس انگیز و تلاطم های فلاکت آور دچار خواهد شد.

پس باید از هر جهت خود را آماده ساخت، و حتی میتوان گفت در این آماده سازی درنگ شده است.

آماده داشتن خود برای رویارویی با هر حادثه و همه پیشآمدهای جنگ اقتضا میکند که گونه گون طرح های سرمایه گذاری فراهم و به سرعت بموقع اجراء گذاشته شود.

همه شرایط لازم برای طرح ریزی و اجرای برنامه های اقتصادی فراهم است و تسنن و دشواری کار در قدرت مدیریت و سازمان دهی منابع آن است.

اصلی ترین منبع اقتصادی نیروی انسانی کارآمد و با اشتیاق میباشد که بی گفتگو کشور آنرا دارد و منابع طبیعی کافی نیز در اختیار است.

برنامه ریزی درست و پویای اقتصادی به معنای آن است که این منابع با یکدیگر چنان ترکیب شود که از آن نتیجه های سرشار حاصل آید.

نظام پولی کشور را باید برای اجرای برنامه های اقتصادی در قدرت و تحرک نگاهداشت. باید از بازی کردن با نظام

پولی دور ماند، زیرا اگر نظام پولی کشور آسیب ببیند، چرخاندن چرخهای اقتصاد بسیار دشوار خواهد شد و به احتمال قوی، خطرها در پس آن رخ خواهد نمود، و به جاست که از بدستان، هشیار و آگاه باشند، که ریز فشار نیارهای جنگی، نظام پولی کشور را درهم نریزند. این هشدار را از آنچه میدهیم که بطور عادی، حکومتها برای برطرف کردن نیارهای جنگی به نظام پولی خود درمی آورند، اینکار گرچه در آغاز تا اندازه ای دشواری ها را از میان میبرد، ولی پس از اندک زمانی، گرفتاریهای بسیار میآفریند و به تنها نظام اقتصادی، که نظام اجتماعی و اخلاقی کشور را نیز به تلاطمها میکشاند.

نیازهای جنگی که باید به ریتال برطرف شود آن چندین نیست که نظام پولی را از تعادل بیفکند و به آسانی میتوان با بهره گیری از نیروهای داوطلب که شمارشان هم روز افزون است و با بهره گیری از یاری های نقدی و جنسی مردم راه دشوار و پرهزینه جنگ را با تعادل پیمود.

جای هشدار دارد که از اتخاذ هر گونه تصمیم های شتاب رده در نظام پولی کشور خودداری گردد و در گرفتن وام و اعتبار از بانک مرکزی تا هر جا که ممکن است اجتناب شود، زیرا نظام پولی کشور چون اسبی است که به آهنگی طبیعی حرکت میکند، اگر بر پیکر این اسب تازیانه وام و اعتبار نواخته شود، آنگاه این اسب به آهنگی هر چه شتابان تر به راه خواهد افتاد و پایهای تعادل اقتصادی و پولی را در هم فرو خواهد کوفت و قیمتتها را چنان افسار گسیخته ترقی خواهد داد که هم دولت و هم بخش خانوار از فراهم آوردن نیازهای خود عاجز بمانند.

اگر نظام پولی کشور از تعادل بیفتد، بی گمان به سرعت باد و برق هر کالا از صحن بازار پرواز خواهد کرد، و فاجعه فرار پول و بدل کردن آن به هر چه ممکن است، روی خواهد داد.

در چنین حالی مهار کردن قیمتتها دیگر ممکن نخواهد شد و دریافتی مردم بگیران در برابر هزینه های آنان چنان اندک خواهد ماند که بر تحرک نیروی کار کشور آسیب اساسی میرسد. این یاد آوری ها همه از آن رو است که خطر فشار آوردن بر نظام پولی کشور را پیش چشم کار بدستان نمایان سارد و آنان را از پیمودن این راه باز دارد.

خطر دیگری که در هنگامه جنگ ممکن است از تصمیم های دست اندر کاران حکومت پدید آید خطر بر تزلزل در افکندن

نظام بانکی است.

درباره این خطر هم هشدار باید داد که اگر کوچکترین آسیبی بر اعتبار نظام بانکی فرود آید، پیامدهای فلج کننده آن تاسا لهای سال گریبان گیر اقتصاد کشور خواهد بود.

در هم شکست اعتماد مردم به بانک، از جریان یافتن عادی پول در بانکها جلوگیری خواهد کرد و بانک دیگر به عنوان مرکزی برای به تعادل آوردن پس انداز خارج خواهد شد و به شکل ذخیره مرده در پستوی خانه ها و کج صندوقها در خواهد آمد.

اگر دولت در تامین هزینه های جنگی خود با دشواری روبرو باشد، بهترین شکل برطرف کردن آن، وضع مالیات تصاعدی بر ثروت است.

این سخنی است بسیار راد گرانه که هر شهر وند به تناسب ثروت خود در تامین هزینه های «نبرد میهنی» شرکت ورزد و بر این شیوه هیچ پیامد روانی و اخلاقی و پولی و اقتصادی نامناسبی بار نمیشود.

همه مردم ضرورت پیروزی در جنگ را در می بینند و همه مردم قبول دارند که هر کس به فراخور حالش در فراهم آوردن پیروزی بکوشد.

این شیوه عمل در تامین هزینه های جنگی بر توده های کم درآمد و گروه های اجتماعی مرد بگیر و یا با درآمد میانه گوارا است.

هر کس بیشتر به برکت زیستن در ایران زمین ثروت اندوخته، باید دست کم برای حفظ ثروت خود، قسمتی از آن را به دفاع از کشور اختصاص دهد.

با وضع مالیات تصاعدی بر ثروت و تعیین ضابطه های عینی روشن، برای تشخیص و دریافت آن، جامعه حالت تعادل روانی خود را نگاه میدارد و همه نهادهای اقتصادی هم بر جای خود بی نقص و پرتحرک باقی مینمانند.

اگر از این طریق مبلغ های لازم فراهم نیاید، راههای دیگری هم وجود دارد که به هنگام خود پیشنهاد خواهد شد.

فراهم کردن هزینه های دولت یک جهت قضیه میباشد، و جهت دوم قضیه به کار گرفتن شیوه درست مدیریت و بهره گیری از امکاناتی موجود در راستای سرمایه گذاری های بارور است.

هم اکنون دولت میتواند با دست زدن به اجرای طرح های مناسب در کنار حفظ تعادل پولی و بانکی، زمینه رونق اقتصادی را فراهم سازد.

پیدا کردن زمینه های سرمایه گذاری و تهیه طرح برای آن کاری است بسیار آسان، و برای اینکه گفتگو حالت کلی و

شاعرانه به خود نگیرد، چند زمینه سرمایه گذاری در زیر نشان داده میشود.

پالایشگاه آبادان آسیب دیده است و اندازه آسیبی که بر این پالایشگاه بزرگ رسیده، هنوز به درستی روشن نمیشود ولی بیش و کم آسیب به هیچ روی جای هراس ندارد.

پالایشگاه آبادان، سالها است که از لحاظ حسابهای اقتصادی استهلاک یافته است و همه واحدهای آن جز دو یا سه واحد از شماره واحدهای کهنه و از مد افتاده اند.

سالهای سال از این پالایشگاه بهره برداری کرده اند بی آنکه در نوسازی آن بکوشند.

راست است که پالایشگاه آبادان در هر حال نفتی تصفیه میکرد و فرآورده هایی برای مصرف بازار داخلی عرضه میداشت ولی ارزش سرمایه گذاری آن چندان بالا نبود، و آسیب رسیدن به آن و یا حتی از دست رفتن جای اندوه چندانی ندارد، و باید از هم اکنون، یعنی از همین امروز، در تدارک ساختن پالایشگاه های جدید بود.

با یاری جستن از کادر دارای تخصص در صنعت نفت و وزارت صنایع و معادن و مراکزهای آموزش عالی میتوان طرح ایجاد دست کم سه پالایشگاه جدید را فراهم آورد، برای هر یک از آنها ظرفیتی برابر با دویست هزار بشکه در روز در نظر گرفت.

محل های این پالایشگاهها را میتوان به گونه ای تعیین کرد ولی به گونه ای پیشنهاد شایان بررسی میتوان شهرهای مشهد، گرگان، همدان، ساری و بابل را نام برد.

میتوان با پیش پرداخت اندکی از هم اکنون ساختن ماشین ها و ابزارهای این پالایشگاه را به کشورهای ایتالیا، چکسلواکی و ژاپن سفارش داد.

بی گفتگو کشورهای بسیاری وجود دارند که برای ساختن ماشین های مورد نیاز آماده همکاری هستند، شرایط حاکم بر بازار کشورهای صنعتی، شرایط نامساعدی است و فروش آنها در بسیاری مورد به کمترین اندازه رسیده است.

میتوان با بهره برداری از این شرایط به تدارک ماشین های مورد نیاز پرداخت و میتوان هزینه آن را هم با قراردادهای تهرتری بر اساس دادن نفت با قیمت معین، و ضریبی از نوسان های بازار، با خود شرکتها و بنگاههای سازنده فراهم داشت.

زمینه اقتصاد در جهان ملتها چندان گسترده است که با روشهای گوناگون میتوان هزینه آری مورد نیاز این پالایشگاهها

فراهم آورد و در کنار سفارش دادن برای ساخت ماشینها و ابزار پالایشگاهها میتوان با سرعت کارهای نقشه برداری و ساختمانی پالایشگاهها را آغاز کرد، و نیز میتوان مسیر لوله گذاری آنها را تشخیص داد، و به هموار ساختن و حتی حفز کانالهای لوله ها پرداخت، تادر نخستین روزهای یافتن جنگ و آسانتر شدن آمد و رفت کشتیها در خلیج فارس، بیدرنگ به نصب ماشینها و لوله ها همت گماشت.

فراهم آوردن طرح های اجرایی این خواسته نیز به هیچ روی اندازه کافی تخصص مورد نیاز در سازمانهای اداری وجود دارد و هم کشور در این زمینه سابقه کار دارد و میتوان با بهره گیری از الگوهایی که پیش روست، همه طرح های اجرایی را به سرعت فراهم آورد.

در کنار تهیه طرح های اجرایی، و شروع به عملیات مقدماتی احداث پالایشگاه هر کدام به ظرفیت دویست هزار بشکه در روز، میتوان برای احداث سه کارخانه سیمان در سه استان کشور دست به کار شد.

در شرایط حاضر به راحتی میتوان طرح احداث این کارخانهها را فراهم و نقشه های اجرایی آنها تهیه نمود و کارهای ساختمانی را آغاز کرد.

پس از پایان یافتن جنگ برای بازسازی ویرانی ها به سیمان نیاز بسیار است، و هم اینک میتوان در کنار شروع کارهای ساختمانی کارخانه های سیمان، ماشین های مورد نیاز این کارخانهها را نیز سفارش داد، با سازندگان این ماشین ها نیز میتوان قراردادهای گوناگون ترتیب داد.

فراهم آوردن سرمایه ریالی برای اجرای این طرحها نیز بسیار آسان است و با توجه به اینکه در شمار کارمندان دولت که هم اینک ارسال مانهای گوناگون حقوق و دستمزد دریافت میکنند، نیروی کار آمد بسیاری وجود دارد که میتوان در اجرای طرحها همکاری نماید، مقداری از هزینه آنها تامین شده است.

برای فراهم آوردن هزینه های دیگر طرح، دولت میتواند با تعهد بازدهی، تادارده و ویا پاندره و یا حتی بیست درصد، پس اندازهای کوچک را برای شرکت در اجرای این طرحها بسیج کند. اساسنامه این بنگاهها را میتوان چنان نوشت که اداره برای همیشه در دست دولت بماند ولی هر کسی بتواند با مبلغی بیش از هزار تومان در آن سهمی داشته باشد.

تضمین دولت بر روی اصل و بازدهی این مبلغها، تشویق بر رگی بر روی آوردن مردم به

خریداری سهام این بنگاهها خواهد بود، و حتی میتوان بخشی از سهام را بی نام عرضه و قید کرد که در ظرف مدت سه تا چهار سال همه بانکهای کشور در صورت ارائه بر گهای سهام تکلیف به پرداخت اصل مبلغ دارند، ولی پرداخت بارده سرمایه ها را به بهره برداری از کارخانهها موکول کند.

یقین است با درپیش گرفتن این رویه سرمایه های سرشاری به سوی طرح های سودمند اقتصادی سرازیر خواهد شد.

این ترتیب رانه فقط درباره کارخانه های سیمان بلکه درباره بسیاری طرح های دیگر نیز میتوان پیش گرفت، و برای آنکه ایرانیان مقیم خارج از کشور راه به سرمایه گذاری در این راه تشویق کرد، میتوان قید نمود که باردهی این سهام به نرخ ارز مسافرتی توسط بانکهای ایرانی در خارج از کشور قابل پرداخت است.

از طرح های ضروری دیگری که دولت میتواند بی درنگ به اجرای آن دست بزند، آغاز ساختن یکصد هزار خانه در استانهای کشور است.

با بررسی های کم دامنه میتوان برای ساختن این خانهها از مصالح محلی استفاده کرد و با بکار بستن سبکهای بومی نیز نیروی کار محلی اشتغالی درخور خواهد یافت.

شروع به ساختن یکصد هزار خانه نیز کار دشواری نیست، و وزارت مسکن و شهرسازی با امکانات فراوانی که دارد میتواند بدین کار دست بزند.

برای اجرای این منظور نیز میتوان به شیوه های گوناگون سرمایه های محلی را بسیج کرد. هرگز نباید دست روی دست گذارد و بعنوان اینکه جنگ است نیروی انسانی بسیار ارزنده را هدر داد. اساسی ترین عامل پیشرفت نیروی کار است که به اندازه کافی و با تخصص مناسب در اختیار کشور میباشد، و باید از این نیرو بهره گرفت و در کنار آن باید سرمایه های داخلی را بسیج کرد و به راه انداخت.

حزب ملت ایران، آماده است تا گروه ورزیده کارشناسان خود را برای پخته تر کردن این اندیشه ها دعوت کند، و در تهیه خطوط اصلی و اجرایی این فکر دولت را یاری دهد، ولی پرداختن به این زمینه کار، بستگی به آن دارد که اساس این اندیشه ها مورد قبول قرار گیرد و برای اجرای آنها از همگان یاری خواسته شود.

اگر به سرعت تصمیم گرفته نشود، و زمان را به تدرید و دودلی بگذرانند و در انتظار پایان جنگ بمانند، زیانهای بسیار بر کشور خواهد رسید.

پیمودن راههای شناخته شده و کلاسیک نیز از دشواریها نخواهد گاست و میباید قدرت اندیشه را بکار انداخت، و راههای ابتکاری و تازه برای بسیج منابع طبیعی و نیروی انسانی خود جستجو کرد.

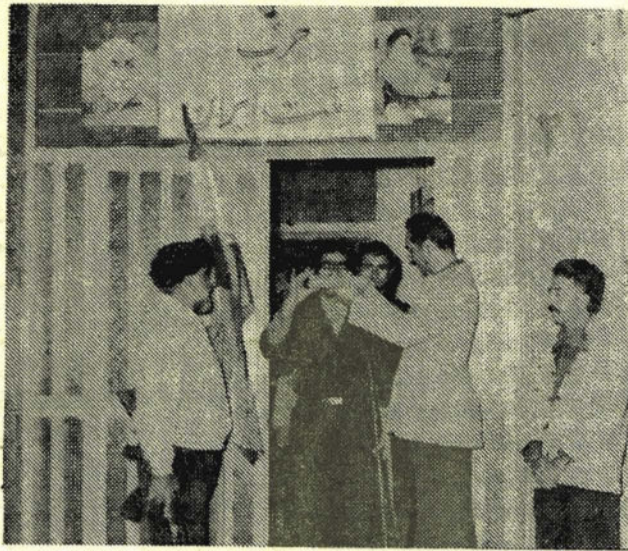
ایران بدین کار توانائی دارد، اگر دست اندر کاران حکومت به آن روی نیاورند فردا بحق گناهکار شناخته خواهند شد.

سرنگون باد حکومت نژاد گرای بعث عراق

ارگان حزب ملت ایران

رهسپاری به میدان جنگ

مهرماه، سی‌تن از داوطلبان به سرپرستی آقای لطفی از قرارگاه مرکزی حزب ملت ایران به عظیمیه کرج رفته و به همراه یکصد و پنجاه تن از رهبران و پیشمرگان حزب دموکرات کردستان عراق که در میان آنها شیخ محمد خالد بارزانی و ادیس بارزانی بودند و از سوی هم‌مرز داریوش فروهر بدرقه می‌شدند با شوق بی‌مانندی رهسپار جبهه‌های جنگ گردیدند.



هم‌مرز داریوش فروهر هنگام بدرقه داوطلبان جنگ که از زیر قرآن می‌گذرند در آستانه قرارگاه حزب.



دبیر حزب ملت ایران در کنار شیخ محمد خالد بارزانی، ادیس بارزانی و هم‌مرز کریمخانی.



دبیر حزب به هنگام سخنرانی برای داوطلبان جنگ.

نمی‌تواند داشته باشد که دفاع از مرزهای ایران جز به یاری تخصص میسر نیست و تخصص در مرکزهای آموزش عالی است. تعطیل دانشگاهها و مدرسه‌های عالی کار نادرستی بود و ادامه دادن آن نادرست‌تر است بی‌هیچ تردید و دودلی همه آنها را به یکباره باز کنید و بگذارید استعدادهای جوانان، برای آباد ساختن ایران پرورده شود.

آسیب‌هایی که بر اثر جنگ بر روستاها و شهرها و اقتصاد ایران وارد آمده است و جبران آنها بیش از گذشته به بهره‌گیری از تخصص نیاز دارد. ترمیم ویرانیهایی تنها به یاری بازرگان و ذهنهای جوانان با تخصص ممکن است و باید با سرعت مرکزهای آموزش عالی را گشود و از جوانان خواست که خود را برای بازسازی میهن آماده کنند. در این کار درنگ شده است. درنگ بیشتر روا نیست. اگر امروز دانشگاهها و مدرسه‌های عالی را نگشایید، فردا بسیار دیر خواهد بود.

می‌باید با سرعت بر این نارسایی غلبه کرد. غلبه کردن بر این نارسایی، جز به یاری گرفتن از رشته‌های تخصصی گوناگون دانشکده فنی فراهم نمی‌آید. پس باید به سرعت این گونه دانشکده‌ها را گشود و همه ابزار کار آن را فراهم داشت تا بتوانند به بازسازی پالایشگاه‌های تازه به‌پرزادند. سرپای زندگی ما، از هوانوردی، و دریانوردی و کشاورزی صنعتی و فراهم آوردن سوخت برای گرم کردن خانه‌ها و تهیه خوراک برای جمعیتی که به سرعت رشد می‌کند، و فراهم داشتن پارچه برای پوشانیدن پیکر مردم رنج‌دیده ایران و ساختن خانه برای ایشان و پدید آوردن دارو و درمانگاه و پزشکی و پرستار همه و همه به قدرت تخصصی نیاز دارد. اگر تخصص را از جامعه بردارید، نه همان که آسایش مردمان را از میان برداشته‌اید، بلکه بر توانایی کشور در دفاع از خود نیز آسیب رسانیده‌اید. امروز دیگر هیچکس تردید

تجربه سرشاری که بر میهن ما، در پیکار با تجاوزگران، می‌گذرد بسیاری پرده‌های پندار را دریده و حقیقت‌ها را عریان در برابر دیدگان مردم و کاربدستان گذاشته است ولی افسوس که باز هم انحصارگران کج‌اندیش اصرار دارند تا در برابر خورشید حقیقت دیدگان خود را فرو بندند و روی برگردانند. حقیقت آن است که در پیکار با حکومت نژادگرای بعث عراق، ارزش تخصص آشکار شد. حقیقت آن است که در جهداران، همافران و افسران کاردان و کارآمد نیروی هوایی ایران به راهنمایی آموزشی که دیده بودند، توانستند آن ضربه‌های جانانه را بر دشمن وارد آورند.

اگر آموزشهای نیروی هوایی نمی‌بود، امروز میدان جنگ جلوه دیگری می‌داشت و آنچه امروز، امکان داده است در صحنه‌های جنگ دست‌بالا را ایران داشته باشد، قدرت فنی و تخصصی و آموزشی نیروهای هوایی و دریایی است. قدرت فنی، بر راهاندازی هواپیماها، بر به پرواز درآوردن هواپیماها، بر هدایت کردن هواپیماها و ضربزدن بر دشمن ریشه در آموزش عالی تخصصی دارد.

آسیب رسیدن به پالایشگاه آبادان و کم‌شدن تولید داخلی نفت و بنزین، به کاستن از قدرت تحرک اقتصادی می‌انجامد و

مدرسه عالی می‌باید با همکاری همه استادان و دانشیاران و استادیاران آن صورت گیرد. اگر اینک، گردانندگان کشور به دست خود و با آگاهی تمام، بر این فقرها دامن می‌زنند. راستی می‌دانید که چه می‌کنید، بگذارید یکبار دیگر به زبان ساده‌تر تکرار شود، از درس خواندن و یسار گرفتن و دایش‌اندوختن فرزندان ایران جلوگیری می‌کند. هیچ دلیلی هم بر توجیه این نلش ریان بحث خود ندارید.

هر کس که از بارگشایی دانشگاهها جلوگیری می‌کند بر پیکر ایران و بر پیکر مردم رنج‌دیده ایران ضربه می‌زند. نپندارید دانشگاهها و مدرسه‌های عالی در خدمت نظام سلطنتی وابسته به بیگانه یا گروه‌های چپ‌اولگر بوده است، به هیچ روی چنین چیزی نیست. مرکزهای آموزش کشور، همواره در خدمت و در اندیشه‌های والای انسانی و مردم و کانون‌هایی برای فراهم آوردن زمینه و ابزارهای پیشرفت کشور بوده است.

دانشگاههای ما، هم در مبارزه بر ضد نظام گذشته و هم در بنیان‌گذاری جامعه پیشرو ایران سهم اساسی داشته، پس از پیروزی انقلاب هم آمادگی هر چه تمامتر داشتند که در خدمت بازسازی ایران قرار گیرند. ولی این فرصت به آنها داده نشد. اگر هدف تجدید نظر در برنامه آموزشی دانشگاهها و مدرسه‌های عالی بوده است بر آوردن آن به هیچ روی نیازی به تعطیل نداشته و در ضمن جریان کار عادی هر یک از این کانونهای علمی به آسانی می‌شد برنامه آن را دگرگون کرد.

حتی تجدیدنظر در برنامه‌های آموزشی هر دانشکده و مدرسه عالی در ضمن باز بودن و در جریان بودن کار تحقیق و تدریس بهتر و آسانتر میسر است. چنین دگرگونی از توان یک هیئت چند نفره بیرون می‌باشد و برنامه آموزشی هر دانشکده یا

در بازگشایی...

که ایران هم در شمار آنان می‌باشد، فقر آموزش و فقر تخصص و فقر مهارت است و اینک، گردانندگان کشور به دست خود و با آگاهی تمام، بر این فقرها دامن می‌زنند. راستی می‌دانید که چه می‌کنید، بگذارید یکبار دیگر به زبان ساده‌تر تکرار شود، از درس خواندن و یسار گرفتن و دایش‌اندوختن فرزندان ایران جلوگیری می‌کند. هیچ دلیلی هم بر توجیه این نلش ریان بحث خود ندارید.

هر کس که از بارگشایی دانشگاهها جلوگیری می‌کند بر پیکر ایران و بر پیکر مردم رنج‌دیده ایران ضربه می‌زند. نپندارید دانشگاهها و مدرسه‌های عالی در خدمت نظام سلطنتی وابسته به بیگانه یا گروه‌های چپ‌اولگر بوده است، به هیچ روی چنین چیزی نیست. مرکزهای آموزش کشور، همواره در خدمت و در اندیشه‌های والای انسانی و مردم و کانون‌هایی برای فراهم آوردن زمینه و ابزارهای پیشرفت کشور بوده است.

دانشگاههای ما، هم در مبارزه بر ضد نظام گذشته و هم در بنیان‌گذاری جامعه پیشرو ایران سهم اساسی داشته، پس از پیروزی انقلاب هم آمادگی هر چه تمامتر داشتند که در خدمت بازسازی ایران قرار گیرند. ولی این فرصت به آنها داده نشد. اگر هدف تجدید نظر در برنامه آموزشی دانشگاهها و مدرسه‌های عالی بوده است بر آوردن آن به هیچ روی نیازی به تعطیل نداشته و در ضمن جریان کار عادی هر یک از این کانونهای علمی به آسانی می‌شد برنامه آن را دگرگون کرد.

حتی تجدیدنظر در برنامه‌های آموزشی هر دانشکده و مدرسه عالی در ضمن باز بودن و در جریان بودن کار تحقیق و تدریس بهتر و آسانتر میسر است. چنین دگرگونی از توان یک هیئت چند نفره بیرون می‌باشد و برنامه آموزشی هر دانشکده یا

شده، و اصلی‌ترین سرمایه‌گذاری برای پیشرفت هر کشور، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی است. پدید آوردن نیروی کار آگاه و آرموده، شرط به حرکت درآمدن چرخهای اقتصاد است. نیروی کار دارنده تخصص، نه همان که با تخصص و دانش فنی خود، کارگاهها و کارخانه‌ها را به راه می‌اندازد، بلکه دادن آموزش فنی به گروه کارگران بدون مهارت را برعهده می‌گیرد که در نظام تولیدی کشور به منزله ستون فقرات صنعت می‌باشند و در پرتو آموزشهای گروه دانشگاهی با تخصص هستی می‌یابند.

جلوگیری از رشد تخصصی دانشگاهی، در حقیقت به مثابه جلوگیری از رشد قدرت فنی جامعه است.

و چه کسانی و بر چه اساسی این چنین بی‌محابا از رشد قدرت فنی جامعه انقلابی ایران جلوگیری می‌کنند.

آیا توانایی‌های فنی کشور از حد نیاز، فزون است که این چنین به درهم شکستن آن برخاسته‌اند. باکمال روشنی و خالی از هر گونه ابهام بدینوسیله اعلام میدارد که سرمایه اصلی هر کشور انسانهای کاردان و کار آمد در سطح‌های گوناگون هستند، هر کسی به ترتیب و به هر وسیله از افزایش شمار اینان و یا افزایش توانایی‌های فنی آنان جلوگیری کند، بی‌گفتگو بر نظام اقتصادی و اجتماعی کشور و بر قدرت سیاسی و نیروی پایداری آن آسیب رسانیده است.

پدید آوردن یک گروه از دارندگان تخصص و یا کارگران با مهارت، بسیار بسیار دشوارتر از خریداری و وارد کردن و بر پا داشتن یک کارخانه ذوب آهن است. دقت و حوصله‌ای که برای به وجود آوردن چنین گروه‌هایی مورد نیاز است بسیار بیشتر از زمان لازم برای احداث یک کارخانه ذوب آهن می‌باشد.

دشواری اصلی اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان سوم،

گشایش مرکزهای آموزش عالی ضرورت دوران سازندگی انقلاب است.

سر در گمی

شناخت واقعیتها، نداشته و بسیاری از آنها را طی چند ماهه گذشته یا به بی تفاوتی کشانده یا به جرگه کشورهای دشمن رانده است.

در رویداد به تصرف در آوردن سفارت آمریکا که به جاسوسخانه بدل شده بود و دستگیری جاسوسهای به ظاهر دیپلمات امریکایی، بیشتر کشورهای جهان، ایران را متهم به نقض موازین و مقررات بین‌المللی کردند.

با اینکه جمهوری اسلامی ایران دلیل‌های کافی برای رد این اتهام و توجیه پسندیده برای این اقدام انقلابی دانشجویان داشت، اما هیچگاه بنحو بایسته و بهنگام و در سطح گسترده و اثربخش دلیل‌های خود را ارائه نداد، تنها در هنگام حمله‌های تبلیغاتی و در مقام دفاع جسته و گریخته، اظهار نظرهایی بعمل می‌آمد.

سیاست خارجی، همچنین نتوانست رویدادهای درونی کشور را مانند درگیریهای کردستان، مبارزه با ضدانقلاب، دادرسی‌های دادگاههای انقلاب، آنگونه که باید در برابر افکار عمومی جهان قرار دهد.

سیاست خارجی، در این مدت در بررسی و گزارش‌های مطبوعات و رادیوهای خارجی و پاسخگویی به آنها نه تنها کارائی نداشته که ناتوان بوده است.

در جمع بی‌توجهی نسبت به سیاست خارجی و توجیه آن از سوی کاربدستان بجائی رسید که تا پیش از جنگ عراق با ایران نظام کنونی کشور از دید مردم جهان، خشن، کینه‌توز، پس مانده، بی‌برنامه و ناآگاه و ناکارا تلقی شد و تنها دفاع و تلافی جانانه ارتش و مردم ایران در برابر تهاجم عراق در جنگ چند روز گذشته بود که تا اندازه‌ای آبرو برای جمهوری اسلامی ایران خرید و دنیا بدین باور دست یافت که در ایران امروز جدول ارزشهای نوئی را میتوان یافت.

در این روزهای بسیار حساس و سرنوشت‌ساز که کشور از هر زمان دیگری به یک سیاست خارجی پرتحرک نیازمند است، با کمال تأسف دیده می‌شود که وزارت امور خارجه وزیر ندارد و به سفیرهای خارجی در تهران توسط سرپرست یکی از ادارهای کل این وزارتخانه پاسخ داده می‌شود.

سفیرها و کاردارهای ایران در کشورهای خارج دارای دیدگاههای یگانهای که شناساننده سیاست جمهوری اسلامی ایران باشد نیستند.

هر وزارت خارجه، به گونه یک مرکز اندیشه و تجزیه و تحلیل می‌باید با نمایندگی‌های خود در کشورهای گوناگون ارتباط زنده و پیوسته داشته باشد.

می‌باید همواره از نمایندگی‌های خود گزارش دریافت و آنان را راهنمایی کند. نمایندگی‌های سیاسی، اندامهای وزارت خارجه هر کشوراند، همه این اندامها در پرتو ارتباط سازمانی مرکز اندیشه خود می‌توانند بخوبی انجام وظیفه کنند. هر کشور می‌باید از آنچه در

حماسه خر مشهر

بشارت‌دهندگان به حقیقت نیز در کنار همه اندیشه‌های بنیادمند و جان‌یافته در تقلائی دائمی آدمیان برای طوائف و قبائل (۱) «شدن» به مستقر و ماوای شریف فرزندان آدم اعتنا داشتند و از فرامین موسی و زبور داود تا فرقان محمدی (ص)، همه جا، مجاهدات اصولی انسان‌ها را برای دفاع از خانه و کاشانه خویش ستوده‌اند. (۲)

بر این حقیقت اگر امر اجتماعی- روانی دینی افزوده گردد که هر چه به سختی تحصیل شود، قدر و اعتبار بیشتری می‌یابد، آنگاه می‌توان به عمق دل‌تنگی مردمی که در پهن‌شدن فلات بزرگ ایران، جانفشانی‌ها کرده‌اند تا از یک طرف در برابر دشمنی‌های گوناگون، میهن را از جنگال تجاوزگران بیگانه حفظ کنند و از سوئی دیگر، سختی و تلاش حصه رزق را از برهوت کویر تأمین نمایند، پی‌برد.

چگونه میتوان چنین دلاورانی را نستود به پاس هر وجب خاک ایران، جانها فدا شده است

آری راست است که ایرانیان (به مفهوم اساسی همه مردمی که از دیربازها در سرزمین شناخته شده فلات زندگی می‌کردند) هرگز از نعمت بارانهای پیوسته و سرسبزی کوهسارها و دشت‌ها برخوردار نبوده‌اند، و بل سهل است که به الگوی حیات پر زحمت آن یزدی شیردل، گاه تا چهار بار خود و مواشی و افراد خانواده خویش را به خیش بسته‌اند تا بتوانند زمین عبوس را بخنداند و از دل قشرهای سخت و به هم بسته کویر، قوت لایموتشان را به دست آورند!

به همین اقتضاست که ایرانی مفهوم کلام حضرت ختمی مرتبت را به درستی می‌فهمد و حب وطن را به تمامی معنی آن، با ایمان راستین پیوند می‌دهد (۳). و باز تعجبی ندارد که بدانیم این حقیقت، به ایران بعد از اسلام منحصر نبوده و از آنجا که اصالت برواقیتی ابدی استوار است، به گذشته‌های دور و اساطیر توده‌ها نیز بر می‌گردد و شکل تلطیف شده خود را به همان وجه در «چو ایران نباشد تن من مباد- بر این بوم و پرزنده یک تن مباد» می‌یابد که در عبارت آسمانی امام خمینی آنجا که می‌گوید؟

موجب آن خواهد بود که دیگر نمایندگان سیاسی را در انجام وظیفه دچار تردید کند.

هنگام آن رسیده است که دولت مردان بطوری جدی به این نقصها توجه ویژه‌ای داشته باشند و به سرعت به سیاست خارجی کشور سامانی اساسی بدهند، و در نظر آورند که تازه آغاز جنگ است.

جمهوری اسلامی ایران در راهی قرار گرفته که حتی بیش از روزها و هفته‌ها و ماههای نخست

نبرد بودن یا نبودن با همه سلطه‌گرانی که برانگیزنده زخفش تکریتی میباشند قرار گرفته است و ناگزیر است که حتی با جنگ و دندان از دستاوردهای تاریخ پر نشیب و فراز انقلاب شکوهمندش دفاع کند.

داستان مبارزه خانه به خانه و تن به تن گردان گمنام خرمشهری که تاکنون دوبار روی داده است حماسه دل‌آوری‌های دفاع کنندگان از خط ما نرهایم (۷) را به خاطرهای می‌آورد و حد فداکاری و ایثار را در مرزهایی دست نیافتنی جا میدهد و خدای را که اگر ملت ایران، در تحت هدایت بزرگمردی همچون امام خمینی حرکت کند، در فردای زندگی خود چها خواهد کرد و در هر گوشه میهن چه افتخارهایی خواهد آفرید.

باش تا صبح دولت خرمشهریان دلیر و دیگر هموطنان سلحشور ایرانیان بدمد، که پرتوی جاودانی در همه سرزمین دلیرپرور ایران دارد.

۱- اشاره به آیه مبارکه: یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا...
۲- اشاره به بشارت ارض موعود، مبارزه غولیات و داود.

به انگیزه صفهای بی‌پایان زنان داوطلب جنگ

ای زن

ای قامت بالای ایثار
پنهان‌ترین گنج
ای سبز، حتی در زمستان
ای واژه‌ی رنج
ای گونه‌های لاله‌آسا
از سلی سخت زمانها
نه خانه آباد است، نه دل
نه حرمت انسان که باید
تنها و دردآلوده، خسته
از چشمهای روشن، افشان ستاره
جبر «فتادن» با تو همزاد
استاده‌ای چون شمع در باد
هر چند باور می‌نمودی
بعد از شهادت‌های افزون
بعد از فرو پاشیدن اهریمن دون
گرد از پر و بالت زدایند
میدان پروازت گشایند
افسوس، افسوس
با اینهمه تلخی و زشتی
از عشق سرشاری چو دریا
چون کوه برجائی و بالا
با اینهمه بی‌مهری ای یار
ای قامت بالای ایثار
ای آیت با خوبشتن، در خویش بودن
خونچشمه‌های فاجعه می‌جوشد اکنون
و سر به سر ایران ما را
آله‌های سرخ و گلگون
تیمار میهن را کنون تو
گر آب باشد «آب» و ر نه
از خون دیده
ای دست‌های بخشش و مهر
از خاطر پاک و غمینت
این واژه‌ی آزردگی را
اینک تو بزدا
دریاب میهن را و بشتاب
تنهای دردآلوده، ای زن

از خبرهای هفته

بازگشت دکتر مکرری به تهران

دکتر مکرری سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو از سوی دولت، به تهران فراخوانده شد و از راه باکو به بندرانزلی، عصر جمعه گذشته به تهران آمد.

دکتر مکرری در مدت ماموریت خود در مسکو همواره، رویدادهای سیاسی رازین نظر می‌داشت و در هر مورد بادلیری و آگاهی به اظهار نظر و پیگیری آنها می‌پرداخت و به نمایندگان دشمنان ایران فرصت نمیداد که رویدادهای سیاسی رابه سود خود زیر تأثیر بگیرند.

علتی که از سوی دولت برای فراخواندن دکتر مکرری اعلام شده است موجه نمی‌باشد و روند کوشش‌های ایشان در مدت ماموریت خود چنان بوده است که قدردانی راهم اقتضاء داشت.

دکتر مکرری در مدت ماموریت خود در مسکو چند مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داد و در این مصاحبه‌ها باروشنی موضوع‌های درخور جمهوری اسلامی ایران را برای نمایندگان رسانه‌های گروهی توضیح داد و از همه قدرتهای سیاسی خواست که در باز شناختن و احترام گذاردن به حقوق ملت ایران درنگ نکنند.

آمادگی ایل قشقایی برای جانبازی در راه میهن

ایل قشقایی و سایر ایل‌های جنوب در تلگرافی که بتاريخ ۱۳۵۹/۷/۱۳ با امضای ناصر و خسرو قشقایی برای روزنامه‌ها فرستاده شده و رونوشت آن نیز بدفتر روزنامه آرمان ملت رسیده است، آمادگی خود را برای دفاع از «حدود و ثغور کشور» و پیکار با متجاوزین و جانبازی در راه میهن عزیز اعلام نموده‌اند. در قسمتهایی از این تلگراف آمده است:

«در این زمان که کشور عزیز ما مورد تجاوز و تهاجم بیگانگان قرار گرفته و احساس میشود که در چنین شرایط حساسی سرزمین ما بیش از هر زمان دیگر به وحدت و یگانگی نیروهای ملی احتیاج دارد، جای تأسف است که ایران عزیز را دچار آشفتگی و بی‌سرو سامانی می‌بینیم.

با وجودی که از ماه‌ها قبل نوکران استعمار که این پیش آمدها و وقایع را خود طرح ریزی کرده بودند و برابر نقشه‌های حساب شده در صدد بودند که بین مردم قهرمان ایران چند گانگی ایجاد نموده و کوشیدند نیروهای مردمی ایران را که بارها و بارها در حفظ و حراست تمامیت ارضی ایران از مایش خویش را داده و از تمام درگیری‌ها سر بلند بیرون آمده‌اند و پس از انقلاب اسلامی ملت ایران هم آماده بودند که هر آن ضرورت ایجاد کند و کشور به مخاطره افتد، در راه حفاظت از مرزهای آن فداکاری نمایند هر چه بیشتر تضعیف کنند..... بار دیگر همان نیروهای ملی نهفته در آغوش میهن، بی‌منت و توقع، ولی با غرور و سرافرازی از دامن ملت سر بر آورده و جای همیشگی خود را در کنار ارتش قهرمان ایران باز یافته‌اند.

اینک در این هنگامه بسیار حساس، که ایران زمین به فداکاری فرزندان دلیر خود نیاز دارد، ایل قشقایی و سایر ایلات جنوب، با وجود تحمل انواع آهانتها و ایذاء و آزار فراوان از جانب برخی از اولیاء امور و افراد غیر متعهد و غیر مسئول، آماده‌ایم با توان و قدرتی که داریم و قادریم که از حدود و ثغور کشور دفاع نمائیم..... و مانند پدران خود جان در راه وطن عزیز فدا کرده و نقش تاریخی خودمان را دگر بار در صحنه نبرد ایفا نمائیم»

اولین گروه از مردم بحرین برای جنگ علیه رژیم بعث عراق، وارد ایران شدند

بر اساس گزارش خبرگزاری پارس، نخستین گروه از اعضای جبهه آزادیبخش بحرین برای شرکت در جنگ علیه رژیم بعث عراق، از راه ترکیه وارد ایران شدند.

یکی از اعضای این گروه به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: «بناظر من این صدام نیست که به جنگ با انقلاب اسلامی ایران برخاسته بلکه جبهه کفر برهبری آمریکا و شیطان بزرگ است که علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران، این جنگ را شروع کرده است».

سخنگوی این گروه پس از ذکر این مطلب که مردم بحرین پس از شروع حمله‌های بعثی‌های عراق به ایران، مدت سه روز در برابر سفارت جمهوری اسلامی ایران در بحرین به تظاهراتی بر علیه عراق دست زده و آمادگی خود را برای جنگ علیه کفار اعلام داشته‌اند گفت:

«جبهه اسلامی آزادیبخش بحرین برای اینکه ثابت کند، آنطور که صدام ادعا میکند، این جنگ، جنگ اعراب علیه ایران نیست، اولین گروه خود را از راه ترکیه به ایران اعزام نمود تا در جبهه‌های جنگ همراه با برادران مسلمان ایرانی خود شرکت کنند.»

خبرهای حزبی

ارگان حزب ملت ایران

همرزم دکتر سیاوش صحت دستیار دبیر حزب بامداد روز چهارشنبه شانزدهم مهرماه به سرپرستی یک گروه پزشکی سی نفره از اصفهان به استان کرمانشاهان عزیمت کرد.

همرزم دکتر سیاوش صحت در شهرهای گیلانغرب، سرپل ذهاب و اسلام‌آباد باهمکاران خود به انجام وظیفه پرداخته است.

همرزم مرتضی مشهدی که روز شنبه پنجم مهرماه به همراه یک گروه از نیروی ویژه وزارت کار و امور اجتماعی به جبهه جنگ با دشمن رفته بود، در اثر اصابت ترکش خمپاره از ناحیه ساق و مچ پای چپ آسیب دیده که برای درمان کامل روز شنبه نوزدهم مهرماه به تهران بازگشت داده شده است.

همرزم منصور بابائی برای ایجاد یک پایگاه ارتباطی در استان آذربایجان شرقی روز یکشنبه بیستم مهرماه به همراه همرزمان خالقی و خدابخش به شهر ارومیه رفتند.

مصاحبه با مرتضی مشهدی، همرزم زخمی شده در جبهه جنگ

هیچکس به هیچ صورت از خود ترسی نشان نمی‌داد

آرزو مندم که هر چه زودتر ایران پیروز شود

س- شما در کدام جبهه می‌جنگید؟
ج- در جبهه غرب، همراه با گردان یکصد و ده لشکر هفتاد و هفت مشهد در سرپل ذهاب.
س- اصلی‌ترین انگیزه شما برای شرکت در نبرد چه بود؟
ج- برای دفاع از ایران بزرگ و حراست مرزهای میهن عزیزتر از جان و حفظ انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی.

س- در جبهه‌های که شرکت داشتید آرایش جنگی چگونه بود؟

ج- زمانی که من با همراهمان از کرمانشاه عازم سرپل ذهاب شدم، گردان یکصد و ده در گردنه پاتاق استقرار داشت و آماده حمله به دشمن، بعد از رسیدن گروه ما به گردان، حمله آغاز و دشمن به عقب رانده شد پس از گذشتن از سرپل ذهاب، به حفر سنگر پرداختیم، و دشمن در تپه‌های مجاور کمین کرده و با خمپاره و توپخانه سنگین و موشک به ما شلیک می‌کرد و ما تمام ضربه و فشارهای دشمن را تحمل و دفع می‌کردیم تا همه واحدها برای حمله و تسخیر مواضع دشمن آماده شوند و در درگیری که در کنار تپه «موش کور» رخ داد، با رشادت ارتش و تکاوران و سپاه پاسداران، پیروزی بدست آمد و این تپه به طور کامل در اختیار نیروهای خودی قرار گرفت و هلیکوپترهای هوانیروز هم کمک بسیار کردند.

در اینمدت تصمیم همه ما این بود که سنگرها به هر قیمت حفظ گردد و مجال پیشرفت به دشمن داده نشود.

س- چگونه شما رخمی شدید؟
ج- نیروی دشمن بی‌وقفه با توپخانه و خمپاره‌انداز، شهر سرپل ذهاب را زیر آتش داشتند و مواضع خودی را می‌کوبیدند، من در سنگر بودم که نزدیک ظهر بر اثر اصابت ترکش خمپاره به پای چپ زخمی شدم. و یکی از همسنگرانم که از تهران باهم حرکت کرده بودیم، مرا به دوش گرفت و به بهداری موقت سرپل ذهاب برد در آنجا طبیب و پرستار و دارو و وسائل کار به حد کافی بود و فوری پای مرا پانسمان کردند و بخیه زدند.

س- روحیه رزمندگان همراه شما چگونه بود؟
ج- روحیه همه عالی بود، ارتشی‌ها می‌گفتند تا آخرین نفس برای حفظ میهن عزیز خود پایداری خواهیم کرد. و هیچکس به هیچ صورت از خود ترسی نشان نمیداد و از لحاظ تدارکاتی چه از نظر مهمات و چه از نظر آذوقه و وسائل بهداشتی و درمانی، هیچگونه کمبودی نداشتیم.
س- به نظر شما که مدتی در خط مقدم جبهه جنگیده‌اید چه اقداماتی باید کرد تا کیفیت تهاجمی ما عالیتر گردد.
ج- به نظر من باید هماهنگی بین واحدهای جنگنده مختلف کاملتر شود و از تخصص افراد حداکثر استفاده به عمل آید.

س- پیامی برای همرزمان و مردم دارید؟
ج- پیام من این است که وظیفه هر ایرانی می‌باشد که برای حفظ مرز و بوم خود و دست‌آوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران تا پای جان در برابر تجاوزگران بعثی و سرسپردگان امپریالیسم و صهیونیسم ستریز کند و آرزو مندم که هر چه زودتر ایران پیروز شود.

در حاشیه جنگ ایران و عراق

تیمسار فلاحی گفت: هر چه از عمر جنگ بگذرد، روحیه ما قویتر میشود.

نخست‌وزیر در دیدار با سفیر شوروی گفت: استقلال، آزادی و انقلاب اسلامی را با هیچیک از چیزهایی که شما میتوانید در اختیارمان بگذارید، عوض نخواهیم کرد.

نماینده صلیب سرخ بین‌المللی از اینکه دولت ایران به آنها اجازه داده‌اند با اسیران عراقی دیدار و گفتگو نمایند سپاسگزاری کرد.

خبرگزاری پارس به نقل از رویتر گزارش داد که سوریه این خبر را که نیروهای سوریه و لیبیایی در کنار سربازان ایرانی سرگرم جنگ علیه عراق هستند، تکذیب کرد.

یونایتد پرس گزارش داد مناخیم بگین، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس، هفته گذشته اعلام کرد که صدام حسین درباره قدرت ارتش ایران دچار اشتباه شد. وی همچنین گفته بود که نیروی هوایی ایران ثابت کرد که قوی‌تر از آنست که حتی غرب تصور میکرد.

حجت‌الاسلام سیدحسین خمینی اعلام کرد: هم‌کنون تعدادی از عراقیهای ساکن ایران در کنار برادران ایرانی خود علیه بعث عراق می‌جنگند.

شیخ نشین کویت، هفته گذشته قانون بسیج عمومی این کشور را تصویب کرد.

بموجب این قانون، وزیر دفاع میتواند افراد ذخیره و نیز تمام مردانی را که در فاصله سنی هیجده تا پنجاه سال قرار دارند، بخدمت احضار کند، در همین قانون به وزیر کشور اختیار داده شده است تا اتباع کشورهای را که با این شیخ‌نشین دشمنی داشته و یا با آن قطع رابطه کرده‌اند، دستگیر یا اخراج کند.

واشنگتن پست نوشت: فرماندهان عالی‌رتبه عراقی از قاطعیت و سرسختی ایرانیان اظهار شگفتی میکنند.

وزیر خارجه عربستان سعودی در یک مصاحبه تلویزیونی در آمریکا گفت: عربستان بنفع کشورهای عربی در جنگ با ایران مداخله نمیکند.

رئیس جمعیت هلال احمر در یک مصاحبه اعلام داشت: عراق حتی اجازه تخلیه میدانهای جنگ از مصدومها و مجروحها را نمیدهد.

هنرمندان و کارکنان تالار رودکی اعلام کردند که با صلاحدید شورای امنیت تهران و ستاد مشترک ارتش جمهوری ایران، بمنظور تقویت روحیه جنگجویان و سربازان و سلاحشوری در برابر رژیم بعث عراق، به اجرای سرودهای انقلابی در میدانها، پارکها و در جبهه‌های جنگ خواهند پرداخت.

وزارت امور خارجه ایران طی بیانیه‌ای اعلام کرد: لغو یک جانبه قرارداد ۱۹۷۵ سرپوشی است برای تجاوز عراق به خاک ایران

یونایتد پرس گزارش داد: عراق از طریق بندر عقبه، در دریای سرخ، مرتباً مهمات و قطعات یدکی از روسیه دریافت میدارد

مقامهای رسمی وزارت خارجه ژاپن گفتند: سایروس ونس، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا و ماسوشی ایتو، وزیر امور خارجه ژاپن، جنگ عراق با ایران و دیگر مسائل خاورمیانه را در یک گفتگوی نیم ساعته مورد بررسی قرار داده‌اند.

روزنامه انگلیسی گاردین نوشت: ایران با اعلام بازگذاشتن تنگه هرمز، دست به یک اقدام بین‌المللی منطقی زده است.

شورای استادان دانشکده حقوق و علوم سیاسی، با صدور بیانیه‌ای حمله‌های ناجوانمردانه رژیم بعث عراق رابه مرزها، تأسیسات اقتصادی و غیر نظامی کشور محکوم کرد.

خبرگزاری فرانسه از قول روزنامه آساهی گزارش داد عراق در نظر دارد برای مصرفهای نظامی خود از ژاپن محصولات نفتی خریداری کند.

بر اساس همین گزارش وزیر تجارت خارجی و صنایع ژاپن اظهار داشته است تا وقتی جنگ عراق با ایران ادامه دارد، چنین محصولاتی به عراق فروخته نخواهد شد.

هارولد براون، وزیر دفاع آمریکا گفت کشور وی علاوه بر چهار فروند هواپیماهای مجهز به رادار (آواکس) که دو هفته قبل به پادشاهی عربستان سعودی تحویل داد، تجهیزات مراقبت زمینی، که دارای عملکرد مشابه با آواکس‌ها هستند، نیز به عربستان خواهد داد.

به دستور نخست‌وزیر اردن، وسائل حمل و نقل این کشور برای ارسال کمک به عراق بسیج شدند.

مسلمانان واشنگتن توسطه سران مرتجع عرب را علیه جمهوری اسلامی ایران محکوم کردند.

بنا به گزارش رویتر از شیکاگو، کارتر و لئونید برزنف نامه‌های خصوصی در رابطه با جنگ ایران و عراق رد و بدل نموده‌اند.

رویتر به نقل از روزنامه «الریاض» چاپ عربستان سعودی گزارش داد: در پی دیدار زکی‌یمانی از کویت و امارات متحده بقیه در صفحه هفتم

جنگ را با همه نیرو و تاپیر و زنی نهائی دنبال کنید